

ارائه الگوی سواد حسابداری با رویکرد مبتنی بر معادلات ساختاری

منوچهر رحمتی قورولی

دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

رسول عبدی

استادیار گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران (نویسنده مسئول)
abdi_rasool@yahoo.com

یعقوب اقدام مزرعه

استادیار گروه حسابداری، واحد صوفیان، دانشگاه آزاد اسلامی، صوفیان، ایران

نادر رضایی

استادیار گروه حسابداری، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

چکیده

حسابداران برخوردار از دانش و مهارت تخصصی، بر شفافیت اطلاعات و به دنبال آن توسعه اقتصادی جامعه اثرگذار هستند. هدف این پژوهش ارائه الگوی سواد حسابداری با رویکرد مبتنی بر معادلات ساختاری می‌باشد. پژوهش حاضر بر حسب هدف، از نوع کاربردی و از نظر روش اجرای تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است و ابزار سنجش و گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری خبرگان عضو جامعه حسابداران رسمی می‌باشد که با استفاده از جدول مورگان تعداد شامل ۲۲۹ نفر انتخاب گردید. جهت تجزیه تحلیل فرضیات پژوهش از نرم‌افزار Smart-PLS استفاده شده است. نتایج بیانگر این است که سواد حسابداری می‌تواند در زمینه تمایز داده‌ها و اطلاعات از یکدیگر، طبقه‌بندی مناسب ابزار مالی و حسابداری، تجزیه و تحلیل موثر و کارایی اطلاعات مالی شرکت‌ها و ارائه صورت‌های مالی دقیق و شفاف، استفاده موثر از دانش مالی و بازار و در نهایت توسعه و بهبود کیفیت حرفه و موفقیت حسابداران و حسابرسان موثر باشد.

واژه‌های کلیدی: سواد مالی و اطلاعاتی، سواد حسابداری، معادلات ساختاری.

۱- مقدمه

امروزه سواد حسابداری می‌تواند دربردارنده مفاهیمی از نوع آگاهی‌های مالی، سواد و دانش مالی، دانش و علم در خصوص محصول‌های مالی، مؤسسه‌های مالی، گزارش‌های مالی و غیرمالی و یا مفاهیمی چون مهارت‌های مالی مانند توانایی محاسبه پرداخت بهره ترکیبی و به طور کلی توانایی مالی در خصوص مدیریت پول و برنامه‌ریزی‌های مالی باشد که در عمل این مفاهیم باهم همپوشانی دارند و مشترک هستند (خانی و طیبی، ۱۳۹۴). اهمیت بهبود سواد حسابداری، به خاطر عواملی چون توسعه محصولات جدید مالی، پیچیدگی ابزارها و بازارهای مالی، تغییرات سیاسی و عوامل اقتصادی، افزایش یافته است (بای^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). به طور کلی سواد حسابداری توانایی‌های فرد به منظور درک اطلاعات مرتبط با امور مالی شخصی، شرکت، تجارت و تصمیم‌گیری آگاهانه را ارتقا می‌دهد. با این حال؛ تشریح این مفهوم و مولفه‌های مرتبط با آن در طول زمان تکامل یافته است (فرناندز^۲، ۲۰۱۳). از بعد سازمانی حسابداران با دانش و تجربه، توجه زیادی به قسمت‌هایی مانند، حسابداری و حسابرسی داخلی داشته و نظارت دقیقی در انجام این وظایف محوله دارند. این نظارت ممکن است روش‌های خلاف اصول حسابداری به کارگرفته شده توسط دیگر مدیران را نیز کشف کند (جامعی، ۱۳۹۷). دانش، مهارت و خبرگی مالی، توانایی حسابداران و مدیران را در مواجهه با موضوعات پیچیده حسابداری افزایش داده و درصد خطاهای ارتكابی، برآورد و قضاوت اشتباه را کاهش می‌دهد. این توانایی، زمان آماده‌سازی مدارک حسابداری صاحبکار را کمتر و زمان مورد نیاز برای انجام حسابرسی را کاهش می‌دهد، زیرا تقلب و خطاها کاهش می‌یابد (طاهری عابد و همکاران، ۱۳۹۷). ضرورت به‌روز بودن با شرایط در حال تغییر حسابداری سبب شده است که حسابداران و مدیران مالی جستجوی تخصص‌های جدید باشند. بنابراین تحصیل و توانمندی و به دنبال آن سواد و مهارت می‌تواند بر موفقیت حسابداران و به‌طور مستقیم شرکت‌ها تأثیرگذار باشد (کلپر و همکاران^۳، ۲۰۱۸). از بعد شرکتی شرکت‌های دارای حسابداران با دانش و تخصص مالی به علت آشنایی با استانداردهای حسابداری نسبت به سایر شرکت‌ها، صورت‌های مالی با کیفیت‌تری خواهند داشت (یانگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۹).

در ادبیات علمی و به ویژه در ادبیات مالی و اقتصادی مفاهیم متعددی از سواد مطرح گردیده و هر یک از آنها به نوعی برای افراد بشر ضروری دانسته شده است، اما متأسفانه علیرغم اینکه

دانش حسابداری تقریباً با تمامی بخش‌های جامعه در ارتباط مستقیم و یا غیرمستقیم می‌باشد ولی توجه مناسبی در ارتباط با مفهوم‌سازی سواد حسابداری به عمل نیامده است. بنابراین به نظر می‌رسد در حال حاضر دانش حسابداری بعنوان یک دانش عمومی و همگانی مورد توجه قرار نگرفته است و در واقع دانش حسابداری جایگاه عمومی و اجتماعی خود را بدست نیاورده است. پژوهش حاضر بدنبال این است تا مفهوم جدیدی را تحت عنوان سواد حسابداری در ادبیات مالی و عمومی تبیین و مطرح نماید این امر می‌تواند به افراد جامعه در ساماندهی فعالیت‌های مالی و شخصی خود یاری رساند و به بیانی ساده‌تر وضعیت مالی و سود و زیان امورات و فعالیت‌های روزمره شخصی، سازمانی و اطلاعات بازار کسب و کار را به بهترین وضع مدیریت و ساماندهی نمایند. با توجه اهمیت فزاینده مباحث مرتبط با دانش مالی و سواد حسابداری و تأثیر شگرف آن بر شفافیت اطلاعاتی و گزارش‌گری مالی، رفاه مالی افراد و خانوارها، سرمایه‌گذاری، رشد و توسعه اقتصادی، متأسفانه این موضوع تا بحال در کشور بطور جدی مورد توجه قرار نگرفته و طبق بررسی‌های انجام شده، سواد حسابداری و همچنین آموزش و ارتقاء مفاهیم مرتبط با سواد در حوزه حسابداری و مالی، اقتصاد، تجارت، بورس، بیمه، بانک و بازارهای دیگر، حتی در مجامع آکادمیک و پژوهش‌های دانشگاهی نیز کمتر مورد ملاحظه قرار گرفته است. حال آنکه برخی از کشورهای توسعه یافته حتی برای دبیرستان‌ها نیز سرفصلی مدون تحت عنوان مالیه شخصی، دانش حسابداری و تفکر سرمایه‌گذاری تدارک دیده‌اند. به نظر می‌رسد نقطه مناسب برای آغاز پژوهش در این حوزه ارائه الگویی مناسب برای سواد حسابداری باشد. زیرا در کشور ما الگویی مناسب برای این امر وجود ندارد و بدون مطالعه و بررسی وضعیت فعلی سواد حسابداری در کشور، طرح هر ادعایی رویایی و بدون پشتوانه خواهد بود. لذا هدف پژوهش حاضر ارائه الگویی برای سواد حسابداری با رویکرد معادلات ساختاری با استفاده از نظر پرسشنامه می‌باشد و به دنبال پاسخ به این پرسش است: مدل مناسب الگوی سواد حسابداری چیست؟

۲- مبانی نظری پژوهش

امروزه به لحاظ پیچیدگی محیط‌های تجاری جدید و تنوع خدمات و محصولات ارائه شده توسط موسسات اعتباری، کسب رفاه مالی، مستلزم درک مناسب مباحث و مسائل مالی است. این نیاز از مدت‌ها قبل در اغلب جوامع مدرن درک شده و از سال‌های

³ Klapper⁴ Yang¹ Bay² Fernandes

اولیه دهه ۹۰ میلادی مطرح گردیده و با گذشت زمان به اهمیت آن افزوده شده است، به گونه‌ای که امروزه مفاهیم مرتبط با آن در کشورهایی نظیر آمریکا و انگلستان به عنوان بخشی از سرفصل دروس دبیرستان‌ها و رشته‌های مختلف دانشگاهی تلقی می‌گردد. در این کشورها بنیادهای غیرانتفاعی متعددی وظیفه توسعه سواد و دانش مالی را عهده‌دار هستند (یعقوب‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). پیشرفت‌های فناوری، روش‌های انجام کارها در حوزه فعالیت‌های حوزه حسابداری را تغییر داده است و اجرای مبادلات مربوط به حسابداری از طریق واسطه‌های الکترونیکی آغاز شده است. رشد و توسعه سریع روزبه‌روز در فناوری اطلاعات سبب ایجاد انقلاب دیجیتالی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است (فضل‌زاده و جبارزاده، ۱۳۹۵). حسابداری و درک مفاهیم آن برای افراد اهمیت ویژه دارد زیرا تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط آنها تاثیر با اهمیتی بر وضعیت مالی آنها دارد. از بعد فردی اگر حسابداران از لحاظ مالی باسواد نباشند، قادر نخواهند بود که پس‌انداز یا طرح سرمایه‌گذاری مناسبی برای خودشان انتخاب کنند و ممکن است که در معرض ریسک کلاهبرداری قرار بگیرند؛ اما اگر از نظر مالی دارای دانش باشند، محتمل‌تر خواهد بود که علاوه بر قابلیت تجزیه و تحلیل اطلاعات ارائه شده در بازار، پس‌اندازی داشته و عرضه‌کنندگان خدمات مالی را مجاب به توسعه محصولاتی کنند که تناسب بیشتری با نیازهایشان دارد. این موضوع هم بر سطح سرمایه‌گذاری و هم رشد اقتصادی آثار مثبتی دارد. بنابراین سواد حسابداری یکی از راهکارهایی است که از آن می‌توان برای بهبود امنیت اقتصادی هم از بعد فردی و هم از بعد سازمانی و کلان بهره برد (لوزاردی و همکاران^۱، ۲۰۱۴). بنابراین سواد حسابداری مسئله‌ای است که در گذشته کمتر به آن اهمیت داده شده است اما در دنیای کنونی با توجه به ضرورت‌های موجود، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سواد حسابداری تحصیلات مرتبط با رشته‌های مالی از جمله حسابداری، مدیریت و اقتصاد و توانایی در بهره‌گیری صحیح از آن می‌باشد؛ و اگر افرادی که در این رشته‌ها تحصیل کرده‌اند، دارای توان تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی، آشنایی با استانداردها و سیاست‌های حسابداری و توان نظارت بهتر بر افشای اطلاعات مالی باشند، شاید بتوان گفت دارای سواد مناسبی هستند (خانی و طیبی، ۱۳۹۴).

تحولات چند دهه اخیر، باعث شده که حرفه حسابداری به سرعت خود را با شرایط زمان تطبیق دهد و به عنوان یک دانش تخصصی مطرح شود. این تحولات ناشی از تغییراتی است که در

نیازهای جامعه به وجود آمده است و پاسخ ندادن به موقع به تغییراتی که در نیازهای جامعه پیش می‌آید، نتایج مخربی را به دنبال خواهد داشت (ادگار^۲، ۲۰۱۱). بقاء و غنای خدمات حسابداری و حسابرسی مستلزم عکس‌العمل مناسب و به موقع حرفه در برابر انتظارات جامعه است. به همین منظور، متخصصان این حرفه باید از دانش و مهارت‌های کافی برخوردار باشند (هاستینگ و همکاران^۳، ۲۰۱۲). حسابداران و حسابرسانی که دارای سمت مدیرعاملی هستند و سواد و مهارت مالی مناسبی دارند، در مقایسه با همتایانشان که دانش مالی قابل توجهی ندارند، نکات دقیق‌تری در راهنمایی سود به تحلیل‌گران ارائه می‌دهند و احتمال اینکه سودها را دستکاری کنند، کمتر است. علاوه بر این، احتمال اینکه این مدیران نقش افشاء مالی را در کاهش عدم تقارن اطلاعات بین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران و کمک به شرکت‌کنندگان در بازار برای ارزیابی ارزش شرکت درک کنند، بیشتر است. همچنین داشتن توانایی و دانش مالی می‌تواند رفتار و نوع تصمیمات آنها را در سازمان تحت الشعاع قرار داده و از این طریق شفافیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهند (کلپر^۴ و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به اینکه در اثر تغییر و تحولات اقتصادی و مالی، لازم است افراد نیز از آگاهی‌ها و توانمندی‌های خاصی، برای مواجهه با پیچیدگی‌های موجود آمده، برخوردار باشند. در چنین شرایطی، با وجود تنوع، پیچیدگی بازارهای مالی و تحولات سریع در آن، داشتن مهارت‌ها و روش‌های مدیریت امور مالی، برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و استفاده از اطلاعات مالی و در یک کلام، داشتن دانش حسابداری، ضروری خواهد بود (گرساسبی و همکاران، ۱۳۹۴). در کشورهای فقیر، توسعه‌یافتگی مالی بسیار محدودتر اتفاق می‌افتد و محصول‌های تخصصی و پیشرفته به نوعی در دسترس درصد بسیار کمی از جمعیت بوده و به همین دلیل، نقش سواد حسابداری در افزایش سطح دسترسی و خدمات مالی، بیشتر از پیش مورد توجه قرار گرفته است (واین و تامی^۵، ۲۰۱۵). افراد و موسسات دارای سواد و دانش حسابداری این قابلیت و توانایی و نیز اعتماد به نفس را دارند تا به واسطه اتخاذ تصمیمات مطلوب و نیز برنامه‌ریزی بلند مدت در راستای امور مالی، موضوعات مالی شخصی و نیز شرکت را مدیریت نمایند که این امر بدون در نظر داشتن رویدادها و تغییر شرایط اقتصادی امکان‌پذیر نمی‌باشد بر همین اساس دانش مالی برای حسابداران و موسسات از میزان اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد (بای و همکاران، ۲۰۱۴). موضوع سواد حسابداری و لزوم بررسی آن بدین لحاظ با اهمیت

⁴ Klapper

⁵ Wayne and Tammy

¹ Lusardi

² Edgard

³ Ahadiat & Martin

فارغ‌التحصیلان حسابداری دانش و مهارت لازم جهت پاسخگویی به حرفه حسابداری و حسابرسی را ندارند. اهمیت بهبود و توسعه سواد حسابداری، به دلیل عواملی همچون توسعه محصولات مالی جدید، پیچیدگی بازارهای مالی، تغییر عوامل اقتصادی، سیاسی و جمعیتی افزایش یافته است. درباره نقش دانش و مهارت حسابداری بحث‌های زیادی مطرح شده است برای مثال خلاء دانش نظری و روابط اساسی بین سواد، آموزش و انتظار از سواد مشهود است. از طرفی پژوهشگران از داده‌های مناسبی برخوردار نیستند و شاید مطالعات اندکی توانسته‌اند معیارهای پرمایه‌ای از دانش و سواد حسابداری را ایجاد کنند تا بین آموزش، دانش، مهارت و سواد و حتی رفتار حسابداران ارتباطات علی بیان کنند (گرساسی، ۱۳۹۴).

۳- پیشینه پژوهش

در پژوهش حاضر تقریباً برای نخستین بار مفهوم سواد حسابداری معرفی می‌گردد و سعی بر این است تا از این طریق باب پژوهشی و نیز کاربردی جدیدی را برای توسعه و بهبود پژوهش‌ها و نیز خدمات حرفه‌ای گشوده شود. بدین ترتیب، پیشینه مشخصی در حوزه موضوع این پژوهش مشاهده نشده است لذا در این بخش به بررسی و تحلیل تحقیقات (داخلی و خارجی) مشابه با متغیرهای موضوع پرداخته شده است.

کاظم‌پور دیزجی و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد به ارائه الگویی جهت آموزش سواد مالی در ایران پرداختند. با توجه به نتایج پژوهش مقوله اصلی شامل آموزش سرفصل‌های کلی، مدیریت درآمد و پس انداز، مدیریت ریسک و مدیریت مخارج می‌باشد که جهت طرح، تدوین و اجرای برنامه آموزش سواد مالی در ایران می‌توان از آن بهره برد.

میرمحمدی صدرآبادی و شاکریان (۱۳۹۸) به بررسی نقش تعدیل‌کنندگی ادراک ریسک بر روابط بین سواد مالی و دانش مالی با تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار یزد پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد سواد مالی، دانش مالی و نیز ریسک ادراک شده بر تصمیم‌گیری جهت سرمایه‌گذاری تأثیری معنادار دارد.

شیرازیان (۱۳۹۷) به بررسی نقش سواد مالی و مدیریت پول بر مدیریت مالی شخصی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. یافته‌های این مطالعه مؤید تأثیر مثبت و معنادار سواد مالی و مدیریت پول و مؤلفه‌هایشان بر مدیریت مالی شخصی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

طاهری عابد و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر توانایی و دانش مالی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان داد که توانایی و دانش مالی

است که عدم کفایت دانش مالی و حسابداری، زندگی افراد، خانواده، دوستان، شرکت‌ها و شرکای تجاری آنها را به سبب اتخاذ تصمیمات نامناسب مالی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و این امر اثرات نامناسب بر جامعه داشته و حتی سبب کاهش ثروت ملی و در نهایت کاهش سطح رفاه مالی در جامعه می‌گردد. با توجه به مالی شدن هر چه بیشتر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، افراد ناگزیر از داشتن دانش مالی هستند (فضل زاده و جبارزاده، ۱۳۹۵). از این رو، می‌توان گفت که بی‌سوادی (عدم داشتن مهارت و تخصص) در حوزه حسابداری، مشارکت‌کنندگان در انواع بازارها و به خصوص بازارهای مالی شرط تقارن اطلاعاتی را نقض می‌کند و می‌تواند عملکرد آن بازارها را تحت شعاع قرار دهد (کیانوش و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین، مهارت مالی و دانش حسابداری یکی از مسائل اصلی در عملکرد بهینه و کارایی بازارهای مالی است. همچنین از جنبه دیگر سیاست‌گذارانی که براساس تئوری‌های اقتصاد بازار، سعی در توسعه بازارهای مالی دارند باید از پیش بدانند که کمترین سطح دانش مالی لازم برای افرادی که قرار است در بازارهای مالی مد نظر آنها مشارکت کنند باید چه میزان باشد تا اهداف مد نظر تحقق یابد و نیز باید ارزیابی درستی از سطح دانش مالی مشارکت‌کنندگان در بازارهای مالی داشته باشند بدیهی است به کارگیری تصمیم‌های مالی درست، جز از طریق داشتن سطح مناسبی از سواد و دانش در حوزه مالی و اقتصادی و حتی تجاری امکان‌پذیر نیست. لذا حسابداران با توجه به مالی شدن هر چه بیشتر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی ناگزیر از داشتن دانش، مهارت و انواع سواد هستند. با توجه به عواملی مانند افزایش پیچیدگی و تنوع محصولات و خدمات مالی، تصمیمات مالی پیچیده رودرروی سرمایه‌گذاران و نیز تغییر عوامل جمعیت‌شناختی و اقتصادی، توجه به دانش مالی و تخصص حسابداری به طور فزاینده‌ای رشد یافته است. با توجه به پیچیدگی بازارها و رقابتی شدن آنها و خصوصی‌سازی، یکی از نیازهای سازمان وجود نیروی انسانی قوی خصوصاً در مرتبه حساب و کتاب می‌باشد. همچنین مهم‌ترین موضوعات در دانش و سواد حسابداری از جبهه فردی: شامل مدیریت مالیات، بودجه‌ریزی، مدیریت نقدینگی، استفاده از کارت‌های اعتباری، استقراض، مخارج با اهمیت، مدیریت ریسک، سرمایه‌گذاری‌ها، طرح‌های بازنشستگی و طرح خرید مسکن و املاک می‌باشد. بررسی تاریخی برنامه آموزش دانشگاهی حسابداری در ایران طی پنجاه سال گذشته نشان دهنده این نکته اساسی است که در چارچوب کلی آموزش رسمی حسابداری، با توجه به تغییرات به وجود آمده در محیط اقتصادی حرفه‌ای حسابداری، دگرگونی بنیادی صورت نگرفته است. بر همین اساس بسیاری از صاحب نظران حرفه حسابداری، در ایران ادعا می‌کنند که

تمایل کمی برای حضور در بازارها داشته و در بسیاری از موارد حتی مخالف حضور در بازارهای سهام بودند.

کورسینی و گیانلی^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان آموزش-های اقتصادی و کسب سواد مالی، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا شرکت در دوره‌های مالی و حسابداری و همچنین اقتصادی منجر به افزایش سواد مالی در افراد مختلف می‌شود یا نه. این پژوهش به صورت تجربی در بین دانشجویان دانشگاه فرنزی ایتالیا انجام پذیرفت. نتایج بیانگر این موضوع است که حضور دانشجویان در دوره‌های آموزشی مالی و حسابداری و همچنین اقتصادی تأثیر معناداری بر سواد مالی این افراد دارد.

اتردیج^۴ و همکاران (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که مدیران اجرایی دارای تجربه و دانش حسابداری از این تجربه و دانش برای کاهش عدم تقارن اطلاعات در عرضه عمومی اولیه استفاده می‌کنند که منجر به قیمت‌گذاری کمتر از حد در زمان عرضه عمومی اولیه می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که مدیران اجرایی با تجربه مبتنی بر حسابداری، با عملکرد بهتر بلندمدت پس از عرضه عمومی اولیه عمل می‌کنند.

کلاپر و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی نوآوری و شیوه آموزش کاربردی استعدادهای حسابداری در دانشکده‌های محلی و دانشگاه‌ها بر اساس اصلاحات جانبی عرضه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که دانشکده‌ها و دانشگاه‌های حسابداری باید به سمت نیازهای اجتماعی هدایت شوند و مهارت‌های موردنیاز جامعه را پرورش دهند، زیرا فقط از این راه می‌شود در رقابت شدید پیشرفت کرد.

امواتی^۵ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان تأثیرات سواد مالی بر تصمیم‌گیری‌های مالی فرد به بررسی رابطه بین مولفه‌های سواد مالی با شاخص‌های مرتبط با تصمیمات مالی فردی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دانش مالی و مهارت‌های مالی عوامل تعیین‌کننده تصمیمات مالی فردی بوده است.

شن و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان رابطه بین اختلافات مالی و سواد مالی تأثیر سواد مالی در اختلافات مالی برای ناظران حیاتی است. نتایج نشان دادند که سواد مالی می‌تواند اختلافات مالی را کاهش و موجب رشد اقتصادی جامعه گردد.

زکریا^۶ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود، مهارت‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان حسابداری را از منظر

مدیران عامل بصورت همزمان اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارند.

جامعی (۱۳۹۷) به بررسی تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری در مقطع کارشناسی ارشد با مهارت‌های مورد نیاز در بازار کار پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محتوای آموزشی برنامه حسابداری جهت آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان برای انجام وظایف ابتدایی حسابداری شرکت‌ها مناسب است. لیکن این محتوا در آماده‌سازی دانشجویان برای انجام وظایفی با مهارت‌هایی در سطوح بالاتر مانند حسابرسی، طراحی سیستم و تصمیم‌گیری کافی و مناسب نیست.

نوری و همکاران (۱۳۹۵) در یک بررسی توصیفی پیمایشی با عنوان تأثیر آموزش‌های مالی در محیط کار بر مدیریت مالی شخصی و عملکرد شغلی کارکنان تلاش کردند تا تأثیر آموزش مدیریت مالی در محیط کار بر مدیریت مالی شخصی و عملکرد کارکنان در بانک مهار اقتصاد استان البرز را مورد بررسی قرار دهند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش مالی در محیط کار بر مدیریت مالی شخصی و عملکرد کارکنان در محیط کار تأثیر دارد.

صابرتنها و بی‌باک (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر فناوری اطلاعات بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج نشان داد؛ براساس ضریب رگرسیون استاندارد شده به ازاء افزایش در میزان بکارگیری فناوری اطلاعات میزان قابلیت مقایسه‌ای و اطلاعات حسابداری، میزان قابلیت اعتماد اطلاعات حسابداری و میزان قابلیت مربوط بودن اطلاعات حسابداری افزایش می‌یابد.

لیو و ژانگ^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود به بررسی سواد مالی، خود اکتفایی و رفتارهای ریسک‌پذیری را مورد بررسی تجربی قرار دادند. نتایج پژوهش این محققین نشان داد که افراد با سواد مالی بالا اکثراً رفتاری همراه با ریسک‌گریزی دارند و تلاش می‌نمایند ریسک‌ها را مدیریت نمایند. این در حالی بود که افراد با سواد مالی پایین تر بیشتر رفتارهای خود اکتفا داشته و ریسک‌زبانی را بدون در نظر گرفتن مدیریت ریسک بروز می‌دهند.

یاموری و یواما^۲ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای به بررسی این موضوع پرداختند که آیا ارتباطی بین حضور خانه‌دارها ژاپنی در بازار سرمایه و سواد مالی وجود دارد یا نه. این محققان با استفاده از داده‌های تجربی کشور ژاپن به این نتیجه دست یافتند که خانه‌دارهایی که دارای سواد مالی بیشتری هستند تمایل بیشتری به حضور در شرکت در بازار سهام دارند و افرادی با سواد مالی پایین

⁴ Ettredge

⁵ Mwathi

⁶ Zakaria

¹ Liu and Zhang

² Yamori, Ueyama

³ Corsini and Giannelli

که قبل از ارسال پرسشنامه به خبرگان، تعداد ۲۰ پرسشنامه جهت بررسی روایی و اعتبار پرسشنامه در بین جامعه آماری توزیع شده و جمع‌آوری شد و تک تک مؤلفه‌ها و کل پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین برای سنجش پایایی پرسشنامه پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. یعنی بدست آوردن ضریب آلفای کرونباخ تعداد ۲۰ پرسشنامه تهیه و در بین جامعه آماری توزیع گردید سپس بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم افزار اسپس اس اس، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه و هر یک از ابعاد آن محاسبه شده است. با توجه به ضرایب به دست آمده برای پرسشنامه (بزرگتر از ۰/۷ می‌باشند) می‌توان گفت که پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار هستند. در پژوهش حاضر به منظور آزمون فرضیه‌ها از تجزیه و تحلیل حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل حداقل مربعات جزئی، تکنیکی چند متغیره است که متغیرهای مکنون غیرقابل مشاهده را از طریق شاخص‌های مختلف و بررسی مسیر بین این متغیرهای مکنون، تخمین می‌زند. تجزیه و تحلیل مبتنی بر حداقل مربعات جزئی، نیازی به فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها و حجم بزرگ نمونه ندارد (تانوس^۲ و همکاران، ۲۰۰۴). در این پژوهش به بررسی اعتبار مدل درونی و بیرونی تحقیق پرداخته شده است. برای آزمون مدل مفهومی پژوهش، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. این روش ترکیب ریاضی و آماری پیچیده‌ای از تجزیه و تحلیل عاملی و رگرسیون چند متغیره است که در یک سیستم گرد هم آمده تا بتوان پدیده‌های مختلف را از طریق آن مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از طریق این فنون پژوهشگران می‌توانند ساختارهای فرضی (مدل‌ها) را رد یا انطباق آن‌ها را با داده‌ها تایید کنند. نرم‌افزار مورد استفاده در این پژوهش نرم‌افزار Smart-PLS است. این نرم‌افزار از روش حداقل مربعات جزئی برای آرایه مدل‌های معادلات ساختاری استفاده می‌کند و قابلیت آزمون هر دو نوع مدل شکل‌دهنده و انعکاسی را داراست، همچنین نسبت به وجود شرایطی مانند هم‌خطی متغیرهای مستقل، نرمال نبودن داده‌ها، کوچک بودن حجم نمونه سازگار است. تجزیه و تحلیل مبتنی بر حداقل مربعات جزئی، یک روش ناپارامتری است و نیازی به فرض نرمال بودن داده‌ها و حجم بزرگ نمونه ندارد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). همچنین در مواردی که سازه‌ها توسط شاخص‌های تکوینی سنجیده می‌شوند، حداقل مربعات جزئی روش مناسب‌تری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها است. در این پژوهش برای ارزیابی مدل پژوهش از شاخص‌های منظمی جهت آزمون استفاده شد که شامل R^2 ، متوسط واریانس استخراج‌شده، بارهای عاملی، ضرایب مسیر و

شاغلین در حرفه حسابداری بررسی نمودند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مهارت‌های مرتبط با ویژگی‌های شخصی حسابداران نظیر: امانتداری، درستکاری، روابط عمومی و دقت در کار در مقایسه با سایر مهارت‌ها، از اهمیت بیشتری برخوردار است. نتایج تحقیقات رازیا^۱ و همکاران (۲۰۱۳) نشان می‌دهد، دانش و سواد تخصصی به شدت با توانایی و تخصص یک فرد مربوط است، همچنین نتایج نشان داد که افراد با سطوح بالاتری از دانش و مهارت مالی با احتمال بیشتر از اطلاعات مالی شرکت‌ها استفاده می‌کنند.

۴- فرضیه‌های پژوهش

- رفتار مالی بر سواد حسابداری تأثیر دارد
- سواد حسابداری بر مهارت و مدیریت حسابداران تأثیر دارد.
- شرایط محیطی بر مهارت و مدیریت حسابداران تأثیر دارد.
- محدودیت‌های حرفه بر مهارت و مدیریت حسابداران تأثیر دارد.
- مهارت و مدیریت بر توسعه و پیشرفت حسابداران تأثیر دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از دیدگاه هدف پژوهش کاربردی، از نظر ماهیت و روش توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی می‌باشد و از نظر حیطة کاری در گروه مطالعات رفتاری و روانشناسی واقع می‌شود. پژوهش حاضر از لحاظ بعد زمانی داده‌های آن از نوع مقطعی می‌باشند. برای بررسی مبانی نظری و ادبیات پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای و برای آزمون فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری از روش میدانی و ابزار پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل خبرگان و متخصصان دانشگاهی (اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و دانشجویان دکترای تخصصی حسابداری) عضو جامعه حسابداران رسمی کشور به تعداد ۶۰۰ نفر می‌باشد. برای نمونه‌گیری با رجوع به جدول مورگان، و پرسشنامه‌های برگشت داده شده و کامل، تعداد ۲۲۹ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. پرسشنامه شامل پنج بعد، شامل رفتار مالی، مهارت و مدیریت، محدودیت‌های حرفه، شرایط محیطی و توسعه سواد حسابداری می‌باشد که با طیف لیکرت پنج گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است. لازم به ذکر است

² Tenenhaus

¹ Raisya

سطح تحصیلات، گروه سنی و سابقه کاری مشارکت‌کنندگان (پاسخگویان) پرداخته شد. اطلاعات مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه آماری مورد مطالعه به شرح ذیل مورد توصیف و تلخیص قرار گرفته است.

بررسی اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در تکمیل پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که بیشترین درصد مشارکت‌کنندگان با ۷۴ درصد دارای سطح تحصیلات دکتری بوده‌اند. این اطلاعات حاکی از آن است که جامعه مورد پیمایش از سطح دانش دانشگاهی لازم برخوردار بودند بالاترین درصد مشارکت‌کنندگان با ۵۸ درصد دارای بیش از ۱۰ سال سابقه کاری بودند. همچنین از نظر جنسیت مردان با ۷۸ درصد و از نظر سنی نیز سن بیشتر پاسخگویان بین ۴۶ تا ۵۵ با ۴۸ درصد می‌باشد. علاوه بر این جدول نشان دهنده این است که مشارکت‌کنندگان از هم از نظر سنی و هم از نظر تحصیلات و سابقه کاری، از تجربه کافی برای پاسخگویی معتبر برخوردارند

ضرایب بحرانی می‌باشند. در ادامه به جزئیات بیشتری از یافته‌های پژوهش اشاره می‌شود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). در این پژوهش مدل اول مدل بیرونی یا مدل اندازه‌گیری است که به بررسی اعتبار و پایایی پرسشنامه می‌پردازد و برای این منظور از سه شاخص مهم متوسط واریانس استخراج‌شده، پایایی مرکب (CR^1) و بار عاملی. همچنین مدل دوم که مدل درونی یا مدل ساختاری است و نشانگر ارتباط بین متغیرهای مکنون پژوهش است. حال با استفاده از مدل درونی می‌توان به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخت.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

با توجه به اطلاعات بخش اول پرسشنامه یعنی بخش اطلاعات عمومی و جمعیت‌شناختی به منظور شناخت جامعه مورد مطالعه، به بررسی توزیع نمونه آماری شامل فراوانی و درصد فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه از قبیل جنسیت،

جدول ۱: آمار توصیفی جمعیت‌شناختی

ویژگی	جنسیت	تحصیلات	سن					سابقه کاری
			۳۰-۴۵	۴۶-۵۵	۵۶ به بالا	۱۰-۵	۱۱-۲۰	
تعداد	مرد	دانشجوی دکتری	۸۰	۱۱۰	۳۹	۷۸	۱۳۲	۱۹
درصد	زن	دکتر	۳۴	۴۸	۱۸	۳۴	۵۸	۸
مجموع								

۶-۲- پایایی متغیرهای پژوهش

سنجه‌ای مناسب برای ارزیابی پایداری درونی محسوب می‌گردد. یکی از مواردی که برای سنجش پایایی در روش مدل‌سازی ساختاری به کار می‌رود پایداری درونی (سازگاری درونی) مدل‌های اندازه‌گیری است. پایداری درونی نشانگر میزان همبستگی بین سازه و شاخص‌های مربوط به آن است. مقدار بالای واریانس بیان شده بین سازه و شاخص‌های آن در مقابل خطای اندازه‌گیری مربوط به هر شاخص، پایداری درونی بالا را نتیجه می‌دهد. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷، نشانگر پایایی قابل قبول است. طبق جدول ۲ از آن جایی که مقدار آلفای کرونباخ کل پرسشنامه و سایر ابعاد بزرگتر از ۰/۷ می‌باشد، بنابراین آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

۶-۱- پایایی ترکیبی (CR): از آن جایی که معیار آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی سازه‌ها می‌باشد، روش پایایی معیار مدرن‌تری نسبت به آن محسوب شده و برتری

۶-۲- معیار بارهای عاملی: بارهای عاملی با محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند. اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از ۰/۴ باشد، نشان دهنده این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر و پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است (تناووس و همکاران، ۲۰۰۴). در این پژوهش با توجه به خروجی نرم افزار (پیوست)، مقدار همبستگی شاخص‌های همه سازه‌ها از مقدار ۰/۴ بیشتر می‌باشد و لذا بیانگر مناسب بودن این معیار است.

¹ Composit Reliability

آزمون‌هایی که خصیصه‌ی واحدی را اندازه‌گیری می‌کند بالا باشد، آزمون دارای اعتبار همگرا می‌باشد. چنانچه مقادیر میانگین واریانس استخراج شده^۱ برای تمام سازه‌ها بالاتر از ۰/۵ باشد بدین معنی که گویه‌ها بیش از ۵۰٪ واریانس سازه‌های مربوط به خود را تبیین کنند، نشان از وجود اعتبار همگرا در آزمون‌های بکار رفته است (تناووس و همکاران، ۲۰۰۴). بر اساس جدول ۲ مقادیر محاسبه شده میانگین واریانس استخراج شده برای تمامی سازه‌ها دارای مقادیر میانگین واریانس استخراج شده بالاتر از ۰/۵ هستند، لذا گویه‌ها بیش از ۵۰٪ از واریانس سازه‌های مربوط به خود را تبیین می‌کنند. مطلوب بودن مقادیر این شاخص نشان از وجود اعتبار همگرا در آزمون‌های بکار رفته دارد.

آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. در نتیجه برای سنجش هرچه بهتر پایایی، هر دوی این معیارها به کار برده می‌شوند. مقدار پایایی ترکیبی یک سازه از یک نسبت حاصل می‌شود که در صورت این کسر، واریانس بین یک سازه با شاخص‌هایش به اضافه مقدار خطای اندازه‌گیری می‌آید. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه‌گیری دارد و مقدار کمتر از ۰/۶ عدم وجود پایایی را نشان می‌دهد. در جدول ۲ پایایی همه عوامل بالای ۰/۷ است و نشان دهنده پایایی ترکیبی مناسبی است.

- **روایی همگرا:** بیانگر رابطه ملاک‌ها یا معرف‌های مختلف نسبت به یکدیگر است. در واقع، اگر همبستگی بین نمرات

جدول ۲: مقادیر مربوط پایایی برای برازش مدل

متغیرها	آلفای کرونباخ (CA)	پایایی ترکیبی (CR)	AVE
نگرش مالی و حرفه‌ای	۰/۷۵	۰/۸۴	۰/۵۷
عوامل فردی	۰/۷۷	۰/۸۴	۰/۵۲
عوامل انگیزشی و توانایی مالی	۰/۷۸	۰/۸۵	۰/۵۳
رهبری	۰/۸۳	۰/۸۷	۰/۵۵
تصمیم‌گیری	۰/۷۹	۰/۸۶	۰/۵۵
مدیریت دانش	۰/۸۳	۰/۸۷	۰/۵۴
عوامل اجتماعی و سرمایه اجتماعی	۰/۷۶	۰/۸۵	۰/۵۹
عوامل اقتصادی و سرمایه انسانی	۰/۷۷	۰/۸۵	۰/۵۹
عوامل فرهنگی	۰/۷۴	۰/۸۷	۰/۵۶
توسعه فردی و سازمانی	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۵۸
افزایش کیفیت حرفه‌ای	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۵۵
توسعه مالی و اقتصادی	۰/۷۹	۰/۸۶	۰/۵۵
عوامل آموزشی	۰/۷۷	۰/۸۵	۰/۶۰
عوامل سازمانی	۰/۷۶	۰/۸۵	۰/۵۸
سواد حسابداری	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۵۱

شد که برای این منظور از سرگیری در سه حالت ۱۰۰، ۳۰۰ و ۵۰۰ نمونه استفاده شد که طبق جدول ۲، نتایج نشان می‌دهد در هر سه حالت در معنی‌دار بودن یا نبودن پارامترها تغییری ایجاد نشده و نتایج از اعتبار محکمی برخوردار هستند. لذا می‌توان در قالب مدل رگرسیونی فرضیات تحقیق را آزمون نمود. بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سوالات کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان

۳-۶- برازش مدل

بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سوالات کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آنها بررسی می‌شود. برای ارزیابی مدل از شاخص‌های منظمی جهت آزمون استفاده می‌شود که شامل R^2 ضرایب مسیر و ضرایب بحرانی هستند (تناووس و همکاران، ۲۰۰۴). به منظور بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر یا همان بتا از روش سرگیری^۲ استفاده

^۲ Bootstrapping

^۱ Average Variance Extracted (AVE)

$$GOF = \sqrt{Cummunality \times R^2}$$

Cummunality میانگین اشتراک هر متغیر است و کیفیت مدل بیرونی را می‌سنجد. R^2 میانگین ضرایب تعیین مربوط به هر متغیر پنهان درونزا می‌باشد و کیفیت مدل درونی را می‌سنجد و برای هر متغیر درونزا بر طبق متغیرهای پنهانی که آنرا توضیح می‌دهند، محاسبه می‌شود. سه مقدار ۰.۰۱، ۰.۲۵ و ۰.۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GoF در جدول ۳ معرفی شده است (رضازاده و داوری، ۱۳۹۳).

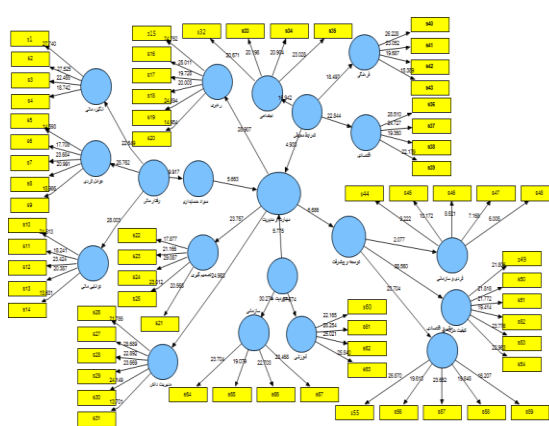
آنها بررسی می‌شود. برای ارزیابی مدل از شاخص‌های منظمی جهت آزمون استفاده می‌شود که شامل R^2 ، ضرایب مسیر و ضرایب بحرانی هستند. به منظور بررسی معنی‌داری ضریب مسیر یا همان بتا استفاده شد که برای این منظور از سرگیری در سه حالت ۱۰۰، ۳۰۰ و ۵۰۰ نمونه استفاده شد که نتایج نشان می‌دهد در هر سه حالت در معنی‌دار بودن یا نبودن پارامترها تغییری ایجاد نشده و نتایج از اعتبار محکمی برخوردار هستند. لذا می‌توان در قالب مدل رگرسیونی فرضیات تحقیق را آزمون نمود. در رویکرد مدلسازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی شاخص GOF کامل‌ترین شاخص برای بررسی کارایی مدل است.

جدول ۳: محاسبه برازش مدل درونی

متغیرها	مقادیر اشتراکی	ضریب تعیین (RS)
نگرش مالی و حرفه‌ای	.57	.58
عوامل فردی	.52	.63
عوامل انگیزشی و توانایی مالی	.53	.67
رهبری	.55	.66
تصمیم‌گیری	.55	.55
مدیریت دانش	.54	.63
عوامل اجتماعی و سرمایه اجتماعی	.59	.52
عوامل اقتصادی و سرمایه انسانی	.59	.63
عوامل فرهنگی	.56	.58
توسعه فردی و سازمانی	.58	.04
افزایش کیفیت حرفه‌ای	.55	.76
توسعه مالی و اقتصادی	.55	.64
عوامل آموزشی	.60	.70
عوامل سازمانی	.58	.69
سواد حسابداری	.51	.25
شاخص نیکویی برازش	GoF= ۰/۵۵	

آماره t بیشتر از ۱.۹۶ یا کمتر از ۱.۹۶- (در سطح خطای ۵ درصد) باشد فرضیه تأیید شده و رابطه معنادار بین دو متغیر پنهان حاصل می‌شود. همان طوری که اشاره شد تحلیل عاملی تاییدی بر روی گویه‌های پرسشنامه صورت گرفت. تمامی سوالات دارای بار عاملی بالای ۰.۵ و مقادیر معناداری بالای ۱.۹۶ هستند و متغیرهای پیش‌بینی شده در پرسشنامه اندازه‌گیری می‌کنند. لذا در ادامه مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش را در دو حالت معناداری و ضرایب استاندارد مشاهده می‌نمایید.

با توجه به جدول ۴-۳ مقدار شاخص نیکویی برازش معادل ۰/۵۵ است که نشان از برازش کلی بالای متوسط برای مدل ساختاری است. بدین معنی که مدل درونی قدرت کافی برای آزمون فرضیات را دارد و نتایج آزمون را می‌توان به لحاظ آماری صد در صد قابل اتکا دانست. بر اساس مدل درونی بدست آمده از آزمون فرضیات پژوهش، به بررسی تأیید یا رد فرضیات می‌پردازیم. برای تأیید یا رد فرضیات از ضریب معنی‌داری (آماره t) استفاده می‌کنیم، چنانچه

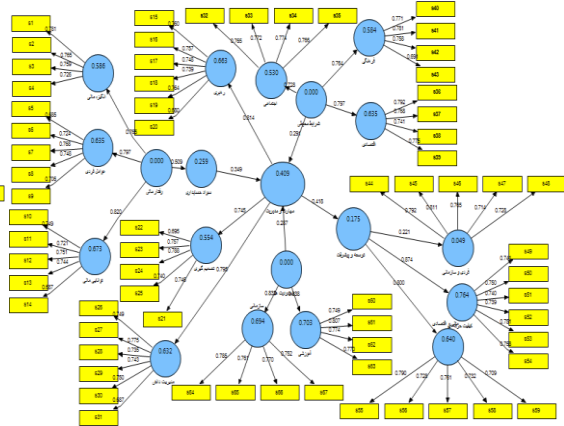


نمودار ۲: مدل اندازه‌گیری در حالت معنی‌داری کلی

ترکیبی بالاتر از ۰.۷ می‌باشند. لذا بین شاخص‌های مربوط به هر متغیر سازگاری درونی وجود دارد.

۴-۶- آزمون فرضیات

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود همه روابط بین متغیرهای در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادار هستند. با توجه به این مدل، ضریب مسیر برای همه روابط مربوط به متغیرهای پژوهش معنادار می‌باشد. در نتیجه، تمامی رابطه‌ها تایید شده است و این بیانگر برازش خوب مدل است در ادامه فرضیات پژوهش با توجه به جدول ۳، مورد بررسی قرار می‌گیرند.



نمودار ۱: مدل اندازه‌گیری در حالت استاندارد کلی

اعتبار سازه یکی از روش‌های اعتبار درونی است به این معنا که ابزار موردنظر فاقد منابع خطا است. این نوع اعتبار بیان می‌کند که نتایج بدست آمده از کاربرد یک ابزار اندازه‌گیری تا چه حد با نظریه‌هایی که آزمون بر محور آنها تدوین شده است، تناسب دارد. این ارزیابی به کمک اعتبار واگرا و همگرا صورت می‌گیرد که بدین شرح‌اند:

طبق جدول ۲، گویه‌ها یا نشانگرهای تمامی سازه‌ها بیشترین بار عاملی را بر سازه خود دارند؛ بدین معنی که کمترین بار مقطعی (Cross-Loading) را بر سازه‌های دیگر داشته باشند (گفن و اشتراپ پیشنهاد می‌کنند که بار عاملی هر گویه بر سازه مربوط به خود باید حداقل ۰.۱ بیشتر از بار عاملی همان گویه بر سازه‌های دیگر باشد). از طرفی دیگر، تمام سازه‌ها دارای پایایی

جدول ۳: نتایج تجزیه و تحلیل حداقل مربعات جزئی برای فرضیات پژوهش

فرضیه	فرضیه	ضرایب مسیر	مقدار معناداری	آزمون فرضیه
۱	رفتار مالی بر سواد حسابداری تأثیر دارد	۰/۵۰	۹/۹۱	تایید
۲	سواد حسابداری بر مهارت و مدیریت تأثیر دارد.	۰/۳۴	۵/۶۶	تایید
۳	شرایط محیطی بر مهارت و مدیریت تأثیر دارد.	۰/۲۹	۴/۹۳	تایید
۴	محدودیت‌ها بر مهارت و مدیریت تأثیر دارد.	۰/۲۸	۵/۷۷	تایید
۵	مهارت و مدیریت بر توسعه و پیشرفت حسابداران تأثیر دارد	۰/۴۱	۶/۶۸	تایید

و مدیریت برابر ۰/۳۴ بوده و دارای مقدار t معادل ۵/۶۶ است. لذا مقدار t برای این پارامتر بیشتر از ۱.۹۶ محاسبه شده است. لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. بدین معنی که سواد حسابداری بر مهارت و مدیریت تأثیر دارد، لذا این فرضیه پژوهش تایید می‌شود. برای فرضیه سوم بر اساس نتایج محاسبات جدول ۳ ضریب مسیر اثر شرایط محیطی بر مهارت و مدیریت برابر ۰/۲۹ بوده و دارای مقدار t معادل ۴/۹۳ است. مقدار

بر اساس نتایج محاسبات جدول ۳ ضریب مسیر اثر رفتار مالی بر سواد حسابداری برابر ۰/۵۰ بوده و دارای مقدار t معادل ۹/۹۱ است. مقدار t برای این پارامتر بیشتر از ۱.۹۶ محاسبه شده است. لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. بدین معنی که رفتار مالی بر سواد حسابداری تأثیر دارد، لذا این فرضیه پژوهش تایید می‌شود. برای فرضیه دوم بر اساس نتایج محاسبات جدول ۳ ضریب مسیر اثر سواد حسابداری بر مهارت

امور مالی مستلزم داشتن ویژگی‌های روانشناختی و نگرشی خاص است. افراد علاوه بر دارا بودن دانش مالی باید انگیزه لازم را دارا بوده و بر احساسات خود کنترل داشته و در نهایت بر تصمیم خود اطمینان داشته باشند. در حوزه مالی رفتاری، یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های حسابداران، هوش است. با توجه به نقش ویژگی‌های شخصیتی حسابداران به عنوان ابعاد ذاتی و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری، نقش ویژگی‌های هوش و ویژگی‌های فردی برای سواد حسابداری مهم به نظر می‌رسد. داشتن انگیزه به سبب برخورداری از دانش و مهارت با تغییر در باورها، افکار و طرز تلقی‌های کارکنان آغاز می‌شود؛ یعنی آنان باید به این باور برسند که توانایی و شایستگی لازم برای انجام موفق وظایف را بکار می‌برند و می‌توانند با آزادی عمل و استقلال فعالیت‌های خود را انجام دهند و توانایی تأثیرگذاری و کنترل بر نتایج شغلی را دارند. لذا اهداف شغلی معنادار و ارزشمندی را دنبال می‌کنند. این یافته با نتایج یافته‌های طاهری عابد و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد.

برای فرضیه دوم می‌توان گفت افزایش مهارت حرفه‌ای، دانش تخصصی، یعنی سواد کافی، باعث افزایش شایستگی و صلاحیت حرفه‌ای می‌شود. حسابدار باسواد باید از یک رشته دانش‌های عمومی نیز برخوردار باشد و همچنین درکی عمیق از فرایند حساب و گزارش‌گری و بازار مالی و موضوع مورد رسیدگی و نیز استانداردهای بین‌المللی داشته باشد که اطلاعات از آن استخراج شده است. علاوه بر آن، حسابدار باید دارای سطح مناسبی از تجربه و تخصص باشد. اکنون حساب‌برسان و حسابداران در موقعیت فراگیر قرار دارند که نقش خود را به ارائه مؤثر اطلاعات، گسترش داده‌اند. بنابراین حساب‌برسان و حسابداران از کاربر حسابداری به حسابداران حرفه‌ای تغییر جهت داده‌اند که در این تغییر جهت، نیاز به شناخت و اکتساب مهارت‌های جدید برای آنها احساس می‌شود. از سویی افزایش روبه رشد استفاده از رایانه در امور روزمره و توسعه روزافزون رایانه‌ها در حسابداری و ایجاد نرم‌افزارهای مختلف حسابداری که هر چه بیشتر حسابداری دستی را منسوخ نموده، اهمیت به کارگیری و یادگیری نرم‌افزارهای تخصصی و جانبی را در حسابداری دو چندان نموده است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که دانش مالی و حسابداری به واسطه قابلیت‌هایی که در فرد ایجاد می‌نماید، به وی امکان می‌دهد تا اطلاع دقیقی در مورد محاسبات مربوط به امور مدیریت مالی و اصول مرتبط با تنوع ریسک داشته باشد و بر همین اساس، فرد در مواجهه با موقعیت‌هایی که نیازمند گزینش‌های مالی است، می‌تواند به شکل کارآمدتری تصمیم‌گیری نماید. یک حسابدار به منظور اقدام جهت انتخاب و گزینش یک موضوع می‌بایست پیش زمینه

t برای این پارامتر بیشتر از ۱.۹۶ محاسبه شده است. لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. بدین معنی که شرایط محیطی بر مهارت و مدیریت تأثیر دارد، لذا این فرضیه پژوهش تایید می‌شود. برای فرضیه چهارم بر اساس نتایج محاسبات جدول ۳ ضریب مسیر اثر محدودیت‌ها بر مهارت و مدیریت برابر ۰/۲۸ بوده و دارای مقدار t معادل ۵/۷۷ است. مقدار t برای این پارامتر بیشتر از ۱/۹۶ محاسبه شده است. لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. بدین معنی که محدودیت‌ها بر مهارت و مدیریت تأثیر دارد، لذا این فرضیه پژوهش تایید می‌شود. برای فرضیه پنجم بر اساس نتایج محاسبات جدول ۴ ضریب مسیر مهارت و مدیریت بر توسعه و پیشرفت حسابداران برابر ۰/۴۱ بوده و دارای مقدار t معادل ۶/۶۸ است. مقدار t برای این پارامتر بیشتر از ۱/۹۶ محاسبه شده است. لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. بدین معنی که فرض پژوهش مبنی بر مهارت و مدیریت بر توسعه و پیشرفت حسابداران تأثیر دارد، تایید می‌شود.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که دنیای کسب و کار به سرعت در حال تغییر است حسابداران می‌بایست علاوه بر هماهنگی و همگام شدن با این تغییرات، مهارت‌های لازم آموزشی، از مهارت‌های دانش تخصصی و خبرگی در حرفه نیز برخوردار باشند تا بتوانند به طور اثربخش و کارآمد از اطلاعات گسترده مرتبط با حوزه کاری خود استفاده نمایند. خصوصاً هنگامی که فناوری به تنهایی برای خلق مزیت رقابتی در اقتصاد دیجیتال امروز کافی نباشد. بنابراین ضروری است که حسابداران مهارت‌هایی را کسب نمایند که آنها را قادر می‌سازد تا مدیریت اطلاعات و استفاده از سواد و دانش مالی و حسابداری در محیط‌های کاری را با موفقیت انجام دهند و عملکرد خود را بهبود بخشند. هدف اصلی این پژوهش ارائه سواد حسابداری با روش معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان و متخصصان دانشگاهی (اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و دانشجویان دکتری تخصصی حسابداری) عضو جامعه حسابداران رسمی کشور می‌باشد. بر همین اساس با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۲۹ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart PLS بهره گرفته شده است.

برای فرضیه اول همان طوری که نتایج نشان داد یکی از عوامل مؤثر بر سواد حسابداری رفتار مالی می‌باشد می‌توان گفت رفتار و نگرش مالی، توانایی حسابداران در فهم و درک پیچیدگی‌های محیط در تنظیم فعالیت‌های اجرایی برای تحقق اهداف و راهبردهای تعریف شده را بهبود می‌بخشد. موفقیت در

برای فرضیه چهارم می‌توان گفت که محدودیت‌های حسابداران هم از منظر فردی و هم از منظر حرفه‌ای، قدرت شهود و شناخت حسابداران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بیشتر بر جنبه‌های عملی در تصمیم‌گیری متمرکز می‌شود. ارزیابی و برداشت فرد از شغلش در طول فرآیند آموزش، مدیریت دانش و کارآموزی صورت می‌گیرد. زمانی که افراد وارد محیط کار می‌شوند تعریفی شخصی از حرفه خود دارند که این تعریف دربرگیرنده آگاهی آنان از وظایف و مسئولیت‌هایی است که در قبال مراجعان به عهده دارند. نظریه‌های موجود درباره رشد مدیریت دانش نیز نشان می‌دهد که تجربه، فعالیت‌ها و تعهد کاری، نقش مضاعفی در مدیریت دانش افراد ایفا می‌کنند. این نتیجه با یافته‌های اتردیچ و همکاران (۲۰۱۹)، امواتی و همکاران (۲۰۱۷)، شن و همکاران (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. برای فرضیه پنجم می‌توان گفت در زمینه پیامدهای سواد حسابداری می‌توان گفت: از نظر سواد حسابداری، یکی از زمینه‌های توسعه فردی برای حسابداران است. در واقع توسعه فرد سند توافق شده‌ای بین کارکنان و مدیران سازمان است که در آن برنامه‌ریزی اهداف و برنامه‌های سالانه با محوریت توسعه فردی کارکنان مشخص شده است. سازمان‌ها با اعتقاد به نقش حیاتی دانش در دستیابی به برتری رقابتی پایدار می‌کوشند تا با به کارگیری سیستم‌های نوین، ارزش‌داری‌های دانشی خود را به طور سیستماتیک در جهت دستیابی به اهداف استراتژیک مهار نموده و از این‌داری‌ها برای بهینه‌سازی عملکرد خود بهره‌مند شوند. وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه، در نتیجه سواد قابل و مهارت و دانش کافی، یکی از ارکان مهم پاسخگویی و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه بوده و در رشد و توسعه اقتصادی اثرگذار است. طبیعی است که اطلاعات مالی با کیفیت مطلوب، در تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص بهینه منابع و کارایی بازار اثر مثبت دارد که خود رشد، توسعه و رفاه اجتماعی را به دنبال دارد. در این راستا یکی از راهکارهای مهم، داشتن سواد در زمینه حسابداری و مهارت بالا و رویکرد اصول‌گرای حسابداران و حساب‌برسان به استانداردهای حسابداری و آثار احتمالی آن بر کیفیت اطلاعات حسابداری می‌باشد. انتظار بر این است که افزایش سواد و دانش حسابداری و مالی در حسابداران و حساب‌برسان، افزایش کیفیت حسابداری را بهبود بخشد که ترجیح رویکرد مبتنی بر سواد و خبرگی در حسابداری می‌تواند نمادی برای آن باشد.

در کل انتظار می‌رود که اثربخشی سواد حسابداری موجب افزایش محتوای ارزشی اطلاعات حسابداری شرکت‌ها شود. سواد لازم و تخصص مالی کافی یک حسابدار فرصت بسیار کمی به مدیریت جهت هرگونه تقلب خواهد داد و اطلاعات حسابداری باکیفیت خوب با حداقل خطا گزارش خواهد شد. و لذا سبب

مرتبط با آن به منظور برآوردن انتظارات را فراهم نماید. بنابراین فرد مسیر عملی را انتخاب می‌کند که پیش زمینه‌ها و مولفه‌های لازم برای آن را به میزان بالا در خود تامین نموده باشد. در این مسیر خبرگی و دانش بالای حسابداران، در زمینه دیجیتال، اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند بسیار با ارزش باشد. همچنین برای موفقیت در حسابداری افزون بر سواد عمومی و مهارت‌های تخصصی و دانشگاهی، مجموعه‌ای از مهارت‌های دیگر مورد نیاز است که با عنوان سواد تخصصی و فنی شناخته می‌شود. این مهارت‌ها در واقع توانایی حسابداران را در روبه‌رو شدن با شرایط و مسائلی که در محیط کار با آن برخورد می‌کنند افزایش می‌دهد. این نتیجه با یافته‌های صابرتنها و بی‌باک (۱۳۹۵)، نوری و همکاران (۱۳۹۵)، اتردیچ و همکاران (۲۰۱۹)، شن و همکاران (۲۰۱۶)، همسو می‌باشد.

در بررسی فرضیه سوم بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت در طی پنجاه سال اخیر تمامی کشورهای صنعتی و به تبع آن کشورهای موفق در حال توسعه، با وقوف به نقش مهم و تعیین‌کننده آموزش و از میان برداشتن محدودیت‌های آموزشی و هماهنگی آموزش با بازار کار و سرمایه کشورها عمده توجه و اهتمام خود را در جهت تقویت و ارتقای سطح شاخص‌های مختلف آموزشی صرف کرده‌اند. بر این اساس با اطمینان، می‌توان ادعا کرد که بین آموزش حرفه‌ای و بازار کار و نیز نوآوری و در نتیجه میزان پیشرفت حقیقی در هر کشور، رابطه مستقیم وجود دارد. از طرفی توسعه و تکامل حسابداری در هر جامعه تابع عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی و محیط حاکم بر آن جامعه و سازمان و نیز سرمایه‌هایی نظیر سرمایه اجتماعی و سازمانی می‌باشد. اولین قدم برای آماده نمودن برنامه‌های آموزشی توسعه سرمایه انسانی و تعیین نیازهای آموزشی حسابداران است. انتظار می‌رود که نتیجه و ماحصل فرآیند آموزش، مجموعه‌ای از مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های جدید باشد که کارکنان برای مسئولیت‌های حرفه‌ای خود بدان‌ها نیاز دارند. بنابراین می‌توان گفت نیازهای آموزشی و حرفه‌ای دستیابی به هدف‌های دقیق و واقعی در فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی حسابداران است. گرچه دانش فنی و مهارت‌های عملی همچنان در رشته حسابداری حیاتی هستند، اما به جای اینکه حسابداران تنها به عنوان گزارش دهندگان اطلاعات حسابداری باشند، به عنوان مفسران اطلاعات و مشاورانی بر مبنای آن اطلاعات شناخته می‌شوند مسلم است که نتیجه این موضوع، نیازمند گسترش مهارت‌های فردی و بین فردی، آموزشی و سرمایه‌ای است. این نتیجه با یافته‌های کاظم‌پور دیزجی و همکاران (۱۳۹۹)، جامعی (۱۳۹۷)، نوری و همکاران (۱۳۹۵)، آهادیات و مارتین (۲۰۱۵) همسو می‌باشد.

- افزایش قابلیت اتکا صورت‌های مالی و افزایش ارزش شرکت می‌شود. در نتیجه کیفیت اطلاعات حسابداری بهبود می‌یابد و محتوای ارزشی اطلاعات افزایش می‌یابد. این پیامدها با یافته‌های کاظمی دیزجی و همکاران (۱۳۹۹)، اتردیچ و همکاران (۲۰۱۹) و امواتی و همکاران (۲۰۱۷)، همسو می‌باشد. در واقع برخورداری از دانش زیاد و مهارت‌های تخصصی، برای حسابداران در سطح آخرین استانداردها و مقررات و فناوری اطلاعات، ضرورت دارد بنابراین، با افزایش دانش و تخصص، شغل حسابداری بیشتر رشد پیدا کرده و اطلاعات و گزارش‌های مالی شفاف‌تر و اقتصاد جامعه شکوفاتر خواهد شد.
- با توجه به یافته‌های پژوهش عدم وجود تعامل موثر و سازنده میان تحقیقات، آموزش و حرفه حسابداری یکی از دلایل ایجاد پیامدهای نامطلوب در حسابداری محسوب می‌گردد، بنابراین پیشنهاد می‌شود با برنامه‌ریزی عملی این مشکل حل شود. تغییرات محیط تجاری از جمله پیشرفته‌ای سریع فناوری ایجاد می‌کند که دانش آموختگان رشته حسابداری از دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای پاسخگویی به انتظارات در حال تغییر جامعه تجاری برخوردار باشند از این رو پیشنهاد می‌شود تخصص حسابرسان و آشنایی آنها با تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، توانایی حل و فصل مسائل ناشناخته تقویت گردد. همچنین برای پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود به شناسایی عوامل زمینه‌ساز موفقیت حسابداران با مدل به دست آمده اقدام گردد. از مهمترین محدودیت این پژوهش به روش پژوهش مربوط می‌شود که البته نوعی محدودیت ذاتی آن است. هرچند تئوری داده بنیاد برای تئوری‌های بومی بسیار مفید است، همانند سایر روش‌های پژوهش کیفی با محدودیت تعمیمدهی مواجه است؛ بدین معنا که لزوماً نتایج این پژوهش برای سایر محیط‌ها و محیط سایر کشورها مناسب نیست.
- فهرست منابع**
- * جامعی، رضا (۱۳۹۷)، بررسی تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (کارشناسی ارشد) با مهارت‌های موردنیاز بازار کار: از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی، سال ۶، شماره ۳.
- * خانی، عبدالله و طیبی، جمیله (۱۳۹۴)، تعیین و اولویت‌بندی مهارت‌های آموزشی حسابداری بر اساس الگوی تحلیل سلسله مراتبی، دانش حسابداری، دوره ۶، شماره ۳۳.
- * داوری، علی و رضازاده، آر.ش. (۱۳۹۳). مدلسازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS. انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، چاپ دوم.
- * شیرازیان، زهرا (۱۳۹۷)، بررسی نقش سواد مالی و مدیریت پول بر مدیریت مالی شخصی سرمایه گذاران بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، دوره ۱۱، شماره ۳۸.
- * طاهری عابد، رضا، علی نژاد ساروکلائی، مهدی، فغانی ماکرانی، خسرو (۱۳۹۷)، توانایی، دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی، مجله علمی- پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره ۵، شماره ۲، پیاپی ۱۷.
- * فضل‌زاده، علیرضا و جبارزاده، (۱۳۹۵)، سواد مالی: مفهوم، سنجش و کارکرد، چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تبریز، سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی، دانشگاه تبریز.
- * کاظم‌پور دیزجی، فاطمه، خان محمدی، محمد حامد و معین‌الدین، محمود (۱۳۹۹)، ارائه الگوی آموزش سواد مالی، فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، آماده انتشار.
- * کیانوش، مهسا، جلیلی، محمد، احمدی، موسی. و حسین‌آبادی‌ساده، داوود (1393)، میزان درک و شناخت دانشجویان از دانش تأمین مالی شخصی (تحلیل رفتار دانشجویان نسبت به دانش تأمین مالی شخصی)، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، سال سوم، شماره دوازدهم، ۴۱-۵۳.
- * گرشاسبی، هلیا، خدایی‌وله‌زاقرد، محمد و غلام‌قاسمی، بیژن. (۱۳۹۴)، دانش مالی و مشارکت در بازارهای سرمایه، کنفرانس سالانه مدیریت و اقتصاد کسب و کار.
- * میرمحمدی صدرآبادی، محمد و شاکریان، حامد (۱۳۹۸)، بررسی نقش سواد مالی و دانش مالی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری، فصلنامه مدیریت کسب و کار، شماره ۴۳.
- * نوری، پیمان، جلیلی، محمد، احمدی، موسی، افتخاری‌پارسا، احمد (۱۳۹۵)، تأثیر آموزش‌های مالی در محیط کار بر مدیریت مالی شخصی و عملکرد شغلی (کارکنان ورودی ۱۳۹۱)، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، سال دوم، شماره سوم.
- * یعقوب‌نژاد، احمد. نیکومرام، هاشم. معین‌الدین، محمود. (۱۳۹۰)، ارائه الگوی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی، مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، شماره هشتم.
- * Bay, C., Catusus, B., & Johed, G. (2014). Situating financial literacy. Critical Perspectives on Accounting, 25(1), 36-45.

Conference on Management, Economics and Social Development

- * Ettredge, S., Charles D. and Sprenger, C., (2019), "Discounting financial literacy: Time preferences and participation in financial education programs", *Journal of Economic Behavior and Organization*, In Press, Corrected Proof, Available online.
- * Corsini, Lorenzo, Giannelli, Gianna Claudia (2020) Economics education and financial literacy acquisition: Evidence from a field experiment, *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, Volume 32, 45-58.
- * Fernandes, D. (2013). The Effect of Financial Literacy and Financial Education on Downstream Financial Behaviors. available at: <http://www.nefe.org/Portals/0/WhatWeProvide/PrimaryResearch/PDF/CU%20Final%20Report.pdf>.
- * Hastings, J. S., Madrian, B. C., & Skimmyhorn, W. L. (2012). Financial Literacy, Financial Education and Economic Outcomes. Nber Working Paper Series. National Bureau of Economic Research. Retrieved from <http://www.nber.org/papers/w18412>.
- * Liu Liu, Zhang, Hua (2021) Financial literacy, self-efficacy and risky credit behavior among college students: Evidence from online consumer credit, *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, Volume 32, 58-74.
- * Lusardi, A., Mitchell, O. S., & Curto, V. (2014). Financial literacy and financial sophistication in the older population. *Journal of Pension Economics and Finance*, 13(4), 347-366.
- * Klapper, L. Lusardi, A. Oudheusden, P.V. (2018). Financial Literacy around the world. World Bank Development Research Group. available at: <http://www.jumpstart.org/guidehtml>. 18. Lusardi, A. Mitchell O.S. and Curto.
- * Mwhati, A. & Messy, F.-A. (2017). Measuring Financial Literacy: Results of the OECD / International Network on Financial Education (INFE) Pilot Study, OECD Working Papers on Finance, Insurance and Private Pensions. OECD Publishing.
- * Raisya Zenita , Ria Nelly Sari , Rita Anugeraha, Jamaliah Said. (2013). The Effect of Information Literacy on Managerial Performance: The Mediating Role of Strategic Management Accounting and the Moderating Role of Self Efficacy, *Procedia Economics and Finance* .199 – 205
- * Shen, Chung-Hua, Shih-Jie Lin , De-Piao Tang (2016) The relationship between financial disputes and financial literacy
- * Wayne Finley, & Tammy Waymire, (2015) Information Literacy in the Accounting Classroom: A Collaborative Effort, *Journal of Business & Finance Librarianship*.
- * Tenenhaus, M., Amato, S., & Esposito Vinzi, V. (2004). A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modeling. *Scientific meeting*: 739-742.
- * Yamori, Nobuyoshi, Ueyama, Hitoe (2021) Financial Literacy and Low Stock Market Participation of Japanese Households, *Finance Research Letters*, 5(6), 102-121,
- * Yang, L. H., Zhang, C., & Liang, X. T. (2019). Research on Reform and Innovation of Accounting Manual Training. In 4th Annual International



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 12/ No. 46/ Summer 2023

Introducing an accounting literacy model with an approach based on structural equations

Manouchehr Rahmati Ghurouli

Department of Accounting and Management, , Islamic Azad University, Jolfa Branch, Jolfa, Iran

Rasoul Abdi

Assistant Prof., Dep. of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

Yaghoub Aghdam Mazrae

Department of Accounting,sofian,branch,islamic azad university,sofian,iran.

Nader Rezaei

Department of Accounting and Finance, Islamic Azad University, Bonab Branch, Bonab, Iran

Abstract

Accountants with specialized knowledge and skills affect transparency of information and subsequent economic development of society. Purpose of this study is to present an accounting literacy model with an approach based on structural equations. Present study is applied in terms of purpose and descriptive-correlational in terms of research method and the tool for measuring and collecting data is a questionnaire. The statistical population of experts is a member of Certified Public Accountants, which was selected using a Morgan table of 229 people. Smart-PLS software was used to analyze the research hypotheses. Results indicate that accounting literacy can be differentiated in field of data and information, proper classification of financial and accounting instruments, effective analysis and efficiency of companies' financial information and providing accurate and transparent financial statements, effective use of financial and market knowledge and develop and improve quality of profession and the success of accountants and auditors.

Keywords: financial and information literacy, accounting literacy, structural equations

